

مصاحبه ای با رفیق رُزا جوان در باره مسائل زنان

چندی پیش المپیاد ورزشی زنان در ایران برگزار شد که برای زنان جوان ما بسیار هیجان انگیز بود. ما نیز از این نوع تحولات در جامعه و به نفع زنان است، حمایت می کنیم، اما ارزنده دیدیم که بفهمیم چه قشرهایی از زنان در این نوع فعالیت ها شرکت کرده و اصولاً اقبال مختلف زنان ایران اکنون دارای چه شرایط و موقعیتی هستند. در این خصوص مصاحبه ای داریم با رفیق رزا جوان، سردبیر سایت جوان سوسیالیست.

س. رفیق جوان، لطفاً کمی در باره زنان جوانی که در این المپیاد شرکت و حضور داشتند، توضیح بدهید.

ج. تجربه خوبی بود. دانشجویان از دانشگاه های مختلف آمده بودند و امکان آشنایی بین آنها بوجود آمد که تجربه جالبی بود و به آگاهی انسان می افزود. امکان مقایسه بوجود می آورد. دختران تحصیل کرده را می توان از آنهایی که تحصیلات عالی ندارند، تشخیص داد و اینکه از چه فرهنگی آمده اند. اکثر زنان ایرانی از نظر سلامتی در وضع ناگواری بسر میبرند. نوع پوشش اثر وحشتناکی بر ناهنجاری های جسمی آنها گذاشته است. خمیدگی پشت، ریزش مو و عدم تناسب اندام. امکانات ورزشی بسیار اندک است. در شهرهای بزرگ باشگاه های ورزشی، البته نه رایگان، در دسترس زنان است اما در شهرهای دور افتاده چنین نیست. در آنجا تقریباً ورزش وجود ندارد. در همین المپیاد ورزشی برای مثال، رکورد پرش طول در دنیا ۹ متر و نیم است. اما نفر اول المپیاد دانشجویی دختران ایرانی تنها با ۴ متر و شصت سانت توانست مدال بیاورد! اکثر دخترانی که آمده بودند، با یک هفته اردوی ورزشی وارد مسابقه شده بودند و تمرین بدنی آنها منحصر به همان یک هفته تمرین بود.

س. شما خصوصیات زن ایرانی را چگونه ترسیم کرده و مشکلات او را چگونه دسته بندی می کنید؟

ج. هرگز نمی توان موجود واحدی با نام زن ایرانی را در نظر گرفت و بررسی کرد که حال این زن چه مشکلاتی دارد؟ و یا آگاهی اش چه اندازه است و چه می توان برای ارتقای وضعیت او انجام داد. گرچه دردناک است اما نمی توان چشم بر واقعیت پوشاند. آنچه امروز به نام فمینیسم ایرانی از آن صحبت به میان می آید همه گیر نیست. دایره ای محدود است که درصد اندکی از زنان ایرانی را در بر می گیرد. و جالب اینجاست که بعضی ها ادعا می کنند که انقلاب آتیه در ایران یک انقلاب زنانه است. زنانی که برای احیای حقوق خود وارد میدان شده اند، اکثراً از میان دختران جوان تحصیل کرده هستند که در شهرهای بزرگ زندگی می کنند. البته ناراضی زیاد هست، اما حتی ناراضیان هم از زنان ساکن در شهرهای بزرگ هستند.

س. پس وضعیت زنان مناطق دور افتاده کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج. در مناطق دور افتاده ی ایران، در شهرهای سنت زده ستم جنسی بر زنان به حدی جاافتاده است که اگر زنی با همسر ی رو برو شود که رفتاری متفاوت با پدر، برادر و سایر مردان آشنا داشته باشد، تصور می کند که ایرادی در همسرش وجود دارد. فرهنگ به اندازه ای سرکوبگر زنان است که مادر از کودکی به دخترانش می آموزد که جنس دوم اند.

در شهرستان های دور افتاده و دهات اطراف می توان تنها با ۲۰۰ هزار تومان یک دختر را خرید. در استان های ایلام و خرم آباد هر سال تعداد قابل توجهی از زنان برای فرار از یک زندگی جهنمی دست به خودسوزی می زنند.

س. به نظر شما چرا زنان ایرانی این همه ستم جنسی را تحمل می کنند؟

ج. به نظرم یکی از مهمترین دلایلی که زنان را به تحمل ستم و امی دارد، عدم استقلال مالی است. اگر به پرونده های طلاق در دادگاه های ایران رجوع کنید، متوجه می شوید که زنی که خواهان طلاق است، توانسته بر روی گذران زندگی پس از طلاق برنامه ریزی کند. خانه دارها اکثراً هر توهین و تحقیری را تحمل می کنند. چرا که پس از طلاق فردایی ندارند.

س. در زمینه های دیگر، چه چیزهایی را از جمله مشکلات عمده زنان ایرانی می بینید؟

ج. مشکلات عدیده اند، اما من به دو مورد که جنبه عمومی و گسترده دارد اشاره می کنم: یکی بهداشت است. مثلاً در مدارس راهنمایی دخترانه محلات فقیرنشین شهرستان ها، دختر بچه های در آستانه بلوغ نیاز شدید به آموزش و بهداشت دارند. رشد جسمی مناسبی ندارند، فقر نشکفته پریشان می کند. از سوء تغذیه رنج می برند و بدتر از همه اینکه بهداشت رعایت نمی شود. در دوران عادات ماهانه از کهنه پارچه های کثیف استفاده می کنند. در پاره ای از این مناطق، اکثرشان در کارگاه های قالی بافی کار می کنند و خیلی زود هم ازدواج می کنند. فرهنگ سنت زده در این مناطق اجازه نمی دهد تا مسائل به صراحت مطرح شود. در این مدارس حتی یک مشاور هم وجود ندارد که دختر بچه های تازه بالغ را آموزش دهد. همه چیز سانسور می شود، بخصوص مسائل جنسی. آگاهی این بچه ها ختم می شود به شنیده هایی که درگوشی نجوا می شود. حال تصور کنید که با همین سطح آگاهی ازدواج کرده و بچه دار می شوند.

دیگر مشکل سلامتی است. همانطور که گفتم، اغلب زنان ایرانی از نظر سلامتی در وضع نامناسبی هستند و این حتی شامل زنان شهرهای بزرگ، مثل تهران هم می شود. خمیدگی پشت، ریزش مو و عدم تناسب اندام از جمله عواقبی است که در میان زنان بسیار متداول است، حتی زنان جوان زیر ۲۰ سال. زنان نوجوان ما عموماً نه تنها از ورزش محرومند، بلکه از داشتن جنب و جوش و تحرک لازم که آنها را شاداب و سالم نگهدارد هم محرومند. در فرهنگ اجتماع ایران، جست و خیز و هرگونه جنب و جوشی خلاف رفتار پسندیده برای یک دختر است، در نتیجه دختران نوجوان این خانواده ها، حتی از حداقل تحرکی که نوجوانان پسر، مثل برادرانشان برخوردار هستند هم محرومند. در حیاط اغلب مدارس به علت اینکه مشرف به ساختمان های دیگر است، دختران زنگ تفریح نمی توانند راحت باشند و کمی خستگی در کنند. در نتیجه زنگ های تفریح هم به ایستادن در گوشه ای و صحبت کردن با یکدیگر می گذرد. علاوه بر این، وجود فرآش مرد در مدرسه، اجازه نمی دهد که دختران داخل مدرسه دخترانه بی حجاب بگردند و در نتیجه ساعات طولانی در برداشتن پوشش سنگین بر مشکل نداشتن تحرک افزوده شده و عواقبی مانند خمیدگی پشت و ریزش مو را در پی دارد.

س. وضعیت کارگران زن را چگونه می بینید؟

ج. در سال های اخیر، اکثر کارفرماها به دنبال کارگر زن هستند، حتی برای کارهایی که نیاز به قدرت جسمی دارد. چرا که آنها را بیمه نمی کنند، با دستمزد ناچیز دو برابر کاری را که از یک کارگر مرد می کشند، به دست می آورند. مهمتر اینکه سطح آگاهی زنان بسیار نازل تر از مردان است. پس خطر شورش وجود ندارد.

سوء استفاده جنسی هم زیاد است. هم در محیط کار و هم خارج از آن. از کمترینش که شنیدن الفاظ رکیک باشد، تا در معرض تجاوز قرار گرفتن.

رفیق رزا، با تشکر از شما که برای این مصاحبه وقت گذاشتید. پیروز باشید!